

تبیین جایگاه جمهوری اسلامی ایران در امنیت منطقه غرب آسیا

مجید دهقانان^۱، آرش قربانی سپهر^۲، هوشمند زارعی دارامرودی^۳

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۶

چکیده:

منطقه غرب آسیا در نیم قرن اخیر شاهد تحولات متفاوتی بوده که این تحولات مبتنی بر نزاع میان دولت‌های منطقه‌ای و نقش آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای از طریق تعیین ژاندارم برای منطقه غرب آسیا بوده است؛ اما با توجه به نقش مهمی که ایران در تحولات صورت گرفته اخیر در منطقه غرب آسیا داشته، شاهد شکل‌گیری نظم جدید منطقه‌ای هستیم که در این نظم، یک قدرت منطقه‌ای مانند ایران، از نظر میدانی قدرت بازگشت ثبات به سایر کشورهای درگیر با جنگ داخلی را داشته و توانسته تا حدودی امنیت را به منطقه غرب آسیا بازگرداند و هم‌چنین از نظر دیپلماتیک به چنان قدرتی رسیده که می‌تواند سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند ترکیه و یا روسیه را با خود همراه کند. البته نباید از نظر دور داشت که هیچ کشوری در منطقه و حتی در جهان به اندازه ایران تحت فشار و ظلم قدرت‌های جهانی قرار نداشته است و محدودیت‌هایی که اربابان زر و زور جهان به ایران تحمیل کرده‌اند، مطمئناً با آگاهی از قدرت بالقوه ایران و تلاش برای محقق‌شدن آن در شکل مناسبات امنیتی سیاسی جدید در منطقه بوده است. بر این مبنای پژوهش حاضر با روشی توصیفی و تحلیلی و مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای، تلاش کرده است تا مفهوم‌سازی درست و قابل قبولی از تبیین جایگاه و نقش جمهوری اسلامی ایران در امنیت منطقه غرب آسیا ارائه دهد. هدف این پژوهش مشخص کردن جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا است و بر این مبنای نتیجه‌های پژوهش نشان داد که ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای تا حد زیادی توانسته است با ایجاد اتحاد و همگرایی در کشورهای منطقه، امنیت منطقه غرب آسیا را تأمین نماید.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، امنیت، همگرایی، شیعیان، منطقه غرب آسیا

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، ایران

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی از دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه و بیان مسأله

امنیت یک مفهوم پیچیده و مناقشه‌برانگیز است که شدیداً با احساسات درآمیخته و عمیقاً متأثر از ارزش‌ها است. بسیاری از افراد معتقدند مسئله امنیتی هنگامی به وجود می‌آید که فردی یا گروه تبهکاری یا دولتی، استقلال و یا جان دیگری را تهدید کند (کلودزیچ، ۱۳۹۰: ۱۱). از این رو امروزه اگرچه تهدیدات جهانی شده‌اند و امنیت انسانی تمامی جهانیان در مواجهه با این تهدیدات به مخاطره افتاده است؛ ولی در این بین کشورهای در حال توسعه با خطرات و تهدیدات امنیتی مضاعفی روبه‌رو هستند (راستی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۱۴۶). بر این مبنای ایران که منافع و امنیت خود را در نزدیکی همه جانبه روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی با بلوک غرب و متحدان منطقه‌ای آن مثل عربستان و رژیم صهیونیستی تعریف می‌کرد؛ این استراتژی در زمان جمهوری اسلامی ایران تغییر کرد و ایران ثبات استراتژیک را فاصله گرفتن از بلوک‌های غرب و شرق با تکیه بر استراتژی‌های مستقل سیاسی-امنیتی و اقتصادی تعریف کرده و به تقویت روابط با همسایگان مسلمان و کشورهای حوزه جهان اسلام پرداخت (برزگر، ۱۳۹۵: ۳۹۶). از این رو جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری آزاد و مستقل به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک همواره در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار بوده است. صدور تفکر مقاومت و مبارزه با استعمار، امپریالیسم، استبداد و خودکامگی و پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک و نیز نهضت مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ه.ش در بعد داخلی و مقاومت هشت ساله در جنگ تحمیلی و مدیریت بحران هسته‌ای در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از نمونه‌های بارز و تاریخی این نقش‌آفرینی‌ها است. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران به شکل عملی و عینی، برخی کشورهای اسلامی غرب آسیا را پس از چندین سده از انزوا و سکون خارج کرده و به سوی همگرایی سوق داده و انرژی آزاد شده‌ی آن را به عنوان موتور محرکه همه تحولات و خیزش جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی درآورده و مردم مسلمان منطقه به ویژه غرب آسیا را نسبت به حق و حقوق و توانایی‌های خود آگاه کرده است. از سوی دیگر، طلسم شکست‌ناپذیر بودن غول استعمار و امپریالیسم را ابطال کرده و این مسأله خود، جسارت و اعتماد به نفس را به ملت‌های مسلمان به ویژه غرب آسیا بازگردانده است (گلشنی و سهرابی، ۱۳۹۳: ۸۳-۸۲). بر این اساس، حضور مؤثر جمهوری اسلامی ایران در مسائل منطقه‌ای و ایفای یک نقش فعال با هدف افزایش

«امنیت نسبی» یک اصل ثابت از نگاه ایران برای حفظ ثبات استراتژیک در منطقه غرب آسیا تعریف می‌شده است. این اصل هم به دلیل برداشت ایران از تأثیرات منفی بی‌ثباتی در منطقه بر امنیت و منافع ملی کشور و هم به دلیل تعریف از جایگاه خود به عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای و به تبع حق مشارکت در مسائل سیاسی-امنیتی منطقه بوده است. حضور مؤثر ایران در جنگ ظفار در عمان (۱۹۷۶-۱۹۷۲)، بحران منطقه‌ای در عراق (از ۲۰۰۳) و سوریه (از ۲۰۱۳)، جنگ علیه گروه تکفیری-تروریستی داعش (از ۲۰۱۴) و غیره و همچنین استراتژی آن در تنگه هرمز و منطقه خلیج فارس و تأکید بر حفظ و تقویت توانایی‌های موشکی کشور به عنوان یک قدرت بازدارنده، بعد از توافق هسته‌ای (برجام) با قدرت‌های بزرگ، البته با ماهیت تدافعی، همگی به نوعی در این چارچوب قرار می‌گیرند (برزگر، ۱۳۹۵-۳۹۷-۳۹۶)؛ بنابراین، ارزش مقاله در این زمان اهمیت می‌باید که بتوان به درستی تبیین نمود که ایران به عنوان مرکز شکل‌دهی ثبات منطقه‌ای تا حدود بسیار زیادی توانسته است همگرایی و امنیت را به این منطقه هدیه دهد. شکست و خروج کامل داعش از عراق و سوریه خود مهر تأییدی بر آن است که جمهوری اسلامی ایران توانسته است به اهداف خود یعنی تأمین امنیت منطقه و کمک به مستضعفان و کشورهایی که نیاز به کمک ما دارند تا حد قابل توجهی مؤثر واقع شود و بتواند جایگاه خود را در میان سایر کشورهای منطقه به عنوان ابر قدرت منطقه‌ای شکل و حفظ کند و تهدیدی جدی برای کشورهای غربی (به ویژه رژیم صهیونیستی و آمریکا) به حساب آید؛ بنابراین سؤال اصلی مقاله حاضر این است که نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در امنیت منطقه غرب آسیا چیست؟

پیشینه پژوهش

با مطالعه روند تکامل علوم، متوجه می‌شویم که این روند مرحله به مرحله صورت گرفته و کارهای انجام شده در گذشته، در حقیقت اساس و زیربنای تحقیقات جدید بوده‌اند؛ بنابراین یکی از خصیصه‌های پژوهش علمی، توجه به کارهای پیشین است. این کار سبب می‌شود که پژوهشگر از دوباره‌کاری در تحقیق پرهیز نماید و به جای اتلاف وقت به تکمیل یافته‌های گذشتگان پردازد. مزیت دیگر اطلاع از کارهای صورت گرفته مربوط به موضوع تحقیق این است که پژوهشگر می‌تواند با مراجعه به آن‌ها اطلاعات خود را بالا ببرد و با دیدی وسیع به موضوع

مورد تحقیق بنگرد. بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی شده است تا منابع و مآخذی که دارای ارتباط تنگاتنگ با مقاله‌اند، به طور اجمالی بررسی و از مطالب آن‌ها به نحو مطلوب استفاده گردد. بررسی منابع و تحقیقات انجام گرفته مبین این است که تحقیقات نسبتاً کمی در جهان در زمینه نقش ایران در امنیت غرب آسیا صورت گرفته است و در هیچ کدام از این پژوهش‌ها به درستی آن‌طور که بایسته و شایسته است نتوانسته‌اند تبیین درستی از آن ارائه دهند. برخی از منابع و تحقیقات انجام شده مطالعات داخلی که در زمینه نقش ایران در تأمین امنیت صورت گرفته است را بیان می‌نمایم که عبارتند از:

- یاسر اسماعیل‌زاده امامقلی و حسنعلی احمدی فشارکی در سال ۱۳۹۵ در مقاله‌ای که با عنوان داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ در فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست به چاپ رسیده است بیان می‌نمایند که حضور و نفوذ داعش در منطقه از نظر امنیتی به مثابه شمشیری دو لبه برای امنیت ایران عمل می‌نماید که در صورت عدم توجه به هر تیغه، تحلیل تأثیر وجود داعش بر امنیت ایران ناقص و نارسا خواهد بود.
- سید ابراهیم قلی‌زاده و محمدرضا کفاش جمشید در سال ۱۳۹۲ مقاله‌ای با عنوان پیامدهای سیاسی-امنیتی افزایش قدرت منطقه‌ای ترکیه بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا در فصلنامه آفاق امنیت منتشر کرده‌اند. این تحقیق درصدد است پیامدهای سیاسی-امنیتی افزایش قدرت منطقه‌ای ترکیه را در حوزه شرق مدیترانه منطقه غرب آسیا (شامل کشورهای سوریه، لبنان و فلسطین اشغالی) بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار دهد.
- جهانبخش ایزدی و حمیدرضا اکبری در سال ۱۳۹۵ در مقاله‌ای که با عنوان اسلام سیاسی و نظم امنیتی غرب آسیا در فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل به چاپ رسیده بیان می‌کنند که برای ترسیم افق امنیتی منطقه غرب آسیا-پس از انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱ ضروری است مؤلفه‌ها، متغیرها و عناصر مهم آن از جمله اسلام سیاسی مورد واکاوی قرار گیرد. از این رو در این مقاله به پاسخ این سؤال می‌پردازد که اسلام سیاسی در تکوین نظم امنیتی غرب آسیا چه جایگاهی دارد.

- علیرضا گلشنی و حمیدرضا سهرابی در سال ۱۳۹۳ در مقاله‌ای با عنوان نقش جمهوری اسلامی ایران در قیف ژئوپلیتیک غرب آسیا که در فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی منتشر شده، بیان می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران منطقه غرب آسیا را منطقه امنیتی خود می‌داند و نمی‌تواند نسبت به تنش‌های سیاسی، قومی، نژادی، مذهبی و تحولات سیاسی آن بی‌تفاوت باشد.
- محمدرضا حافظ‌نیا و ابراهیم رومینا در سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ای با عنوان تأثیر علائق ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در ایجاد چالش‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا که در فصلنامه تحقیقات جغرافیایی منتشر شده بیان می‌کنند که رقابت متقابل ایران و عربستان در منطقه جنوب غرب آسیا، تنش‌هایی را شکل داده است که این رقابت و منازعه به سایر کشورهای منطقه نیز سرایت کرده و تنش‌هایی را در این بخش از جهان به وجود آورده است که منجر به ناامنی در منطقه جنوب غرب آسیا شده است.

اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق

امروزه توجه به مفهوم امنیت و روش‌های ارتقاء آن، به عنوان یکی از اولویت‌های اساسی در مسائل جهانی تبدیل شده است. از این رو معیارهای شناخت و تحلیل امنیت در پهنه جهانی بسیار متفاوت است و با توجه به مؤلفه‌های کالبدی، کارکردی و محیطی نوسان پیدا می‌کند. بر این مبنا، جمهوری اسلامی ایران توانسته تا حد بسیار زیادی امنیت را به کشورهای منطقه غرب آسیا و کشورهایی که نیاز به کمک جمهوری اسلامی ایران دارند، هدیه دهد. از این رو، جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا به عنوان محور ارتباطی و شکل‌دهنده همگرایی در بین کشورهای همسایه عمل می‌کند؛ بنابراین، ارزش مقاله در این زمان اهمیت می‌یابد که بتوان به درستی تبیین نمود که ایران به عنوان مرکز شکل‌دهی ثبات منطقه‌ای تا حدود بسیار زیادی توانسته باشد همگرایی و امنیت را به این منطقه هدیه دهد. از این رو شکست و خروج کامل داعش از عراق و سوریه خود مهر تأییدی بر آن است که جمهوری اسلامی ایران توانسته است به اهداف خود یعنی تأمین امنیت منطقه و کمک به مستضعفان و کشورهایی که نیاز به کمک ما دارند تا حد قابل توجهی مؤثر واقع شود و بتواند جایگاه خود را در میان سایر کشورهای منطقه به عنوان ابر

قدرت منطقه‌ای شکل و حفظ کند و تهدیدی جدی برای کشورهای غربی به ویژه (رژیم صهیونیست و آمریکا) به حساب آید.

مبانی نظری

۱. شیعه

شیعه به لحاظ لغوی بر فرد یا جماعتی اطلاق می‌شود که از فرد دیگری پیروی یا او را همراهی یا با او همکاری کند، یا اسباب نیرومندی او را فراهم سازد یا کیش و آیین او را رواج بخشد. به این ترتیب، معنای لغوی تشیع - مصدر وزن تفعّل - از همان ریشه، مشخص می‌گردد؛ عمل فرد یا جماعت شیعه که همان پیروی از شخص متبوع، یاری او، همراهی و همکاری کردن با او است. شیخ مفید معتقد است معنای لغوی تشیع، صرف پیروی از شخص متبوع نیست؛ بلکه پیروی همراه با گرایش درونی و دوستی توأم با اخلاص است (نصیری، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۳). در اصطلاح، شیعه نام عمومی تمام فرقه‌هایی است که قائل به امامت و خلافت بلافضل حضرت علی (ع) پس از پیامبر (ص) بوده و اعتقاد دارند که امامت، جز از اولاد وی خارج نمی‌شود. تمام فرقه‌های شیعی معتقد به وجود و تنصیب امام از جانب خدا و پیامبر (ص) بوده و انبیاء و امامان را از گناه مبری و معصوم می‌دانند و به تولی و تبری، اعتقاد دارند (مقتی‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۹).

آغاز پیدایش شیعه را که برای اولین بار به شیعه علی معروف شدند، همان زمان رحلت پیغمبر اکرم (ص) باید دانست. شیعیان یکی از اصول و ایدئولوژی‌های ثابت خود را بر مبنای عدم پذیرش خلافت و رهبری غیر از اهل بیت پیامبر اکرم (ص) و استبدادی و تحریفی بودن به عنوان میراث تاریخی، عقیدتی و نیز سیاسی خود می‌پندارد (درخشه، ۱۳۸۴: ۱۵). شیعیان، خلافت و امامت را در امتداد رسالت و امری الهی و تابع تعیین خداوند و تصریح پیامبر می‌دانند. از این رو به ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) معتقد بوده و در فقه و احکام اسلامی نیز به فعل و سخن امامان معصوم علیه‌السلام ملتزم‌اند. آنان احادیثی را معتبر می‌دانند که از طریق روایان موثق به پیامبر (ص) یا یکی از دوازده امام معصوم و حضرت زهرا (س) منتهی گردد (بغدادی، ۱۳۸۵: ۳۰۰).

شیعه، عدالت را از صفات خداوند و جزء اصول مذهب خود می‌داند؛ از این رو موضعی انقلابی در برابر کسانی می‌گیرد که مشروعیت ظالم خدا را به خداوند نسبت می‌دهند، شیعه عدالت

را از خداوند به تمام نخبگان نسبت می‌دهد و آن را از شرایط لازم خلیفه، والی، حاکم، قاضی، پلیس، امام جمعه و... می‌داند (حسینیان، ۱۳۸۰: ۱۴). در سال‌های اخیر، هویت شیعی بیشتر تحت تأثیر عوامل داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر، موضوعات منطقه‌ای در بازتولید و رادیکالیزه شدن هویت شیعی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. گراهام فولر در این باره می‌گوید؛ هویت شیعی همان قدر که از ویژگی‌های داخلی متأثر است، از فشارهای خارجی محیط اطراف نیز تأثیر پذیرفته است (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۶۰).

انقلاب

انقلاب از ماده قلب و به معنای دگرگونی و زیر و رو شدن آمده و در اصطلاح عبارت است از براندازی سریع و پرخاشگرانه نظام حاکم و ایجاد نظام مطلوب توسط مردم (دهقان، ۱۳۸۴: ۱۳) و انقلاب تحول‌پیموده‌ای است که در طی آن حکومت مستقر به دلایلی، توانایی اجبار و اعمال زور را از دست می‌دهد و گروه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی به مبارزه بر می‌خیزند تا قدرت سیاسی را قبضه کنند، این مبارزه اغلب مدتی طول می‌کشد تا آنکه سرانجام نهادهای جدید سیاسی جانشین نهادهای قدیم شوند (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱). در تعریفی دیگر ساموئل هانتینگتون معتقد است انقلاب یک تغییر داخلی سریع، بنیادی و خشونت‌آمیز در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط یک جامعه و در نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری و فعالیت‌ها و سیاست‌های حکومت آن جامعه است؛ بنابراین، انقلاب‌ها از قیام، شورش‌ها، طغیان‌ها، کودتاها و جنگ‌های استقلال متمایز هستند (گلدستون، ۱۳۸۵: ۶۳). جانستون معتقد است خشونت و دگرگونی، چهره‌های متمایزی از انقلاب هستند و انقلاب اعمال استراتژی خشونت برای دگرگونی در ساختار اجتماعی است (اسکاچ پل، ۱۳۷۶: ۲۸)؛ اما انقلاب اسلامی علی‌رغم داشتن برخی تشابهات با این تعاریف، دارای مفهوم گسترده‌تری است. عمید زنجانی معتقد است انقلاب اسلامی، دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن براساس جهان‌بینی، موازین و ارزش‌های اسلامی، نظام امامت، آگاهی و ایمان مردم، حرکت و پیشگامی متقیان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم استوار است (عمید زنجانی، ۱۳۸۱: ۳۱). حرکت امت مسلمان در جهت تغییر نظام غیر اسلامی پیشین و جایگزین نمودن نظام جامع و کامل اسلامی به جای آن؛ همچنین تلاش برای اجرای مقررات، قوانین و

برنامه‌های اسلامی در تمام شئون زندگی خویش به عنوان انقلاب اسلامی خوانده می‌شود (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۴).

انقلاب اسلامی ایران

انقلاب از حیث لغوی، عبارت است از برگشتن، برگشتن از حالی به حال دیگر، دگرگون‌شدن، آشوب و شورش (عمید، ۱۳۷۳: ۲۵۳). از حیث مفهومی نیز انقلاب به نوعی از کنش سیاسی جمعی و توده‌ای گفته می‌شود که در قالب منازعه‌ای خشونت‌آمیز برای قبضه قدرت دولتی در درون واحد سیاسی مستقلی شکل می‌گیرد. بنابراین، انقلاب نیازمند سازمان‌دهی، رهبری و ایدئولوژی برای بسیج است و همواره سطحی از خشونت را به همراه دارد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۹۳). در ترکیب «انقلاب اسلامی»، «اسلام»، هدف و «انقلاب»، وسیله است. در واقع، مردم و رهبری انقلاب به وسیله انقلاب تلاش کردند تا مجدداً اسلام را به عنوان یک مکتب اجتماعی و سیاسی احیا نمایند (حشمت‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۳). در این مکتب، انقلاب اسلامی یک انقلاب سیاسی یا دگرگونی اجتماعی محض نیست، بلکه تجدید حیات اسلام را در تمام وجوه و ابعاد در نظر دارد و متضمن بازگشت به اصول اسلام به عنوان مکتبی جامع و تضمین‌کننده حیات دنیایی و معنوی انسان است (افشاری راد و آقا بخشی، ۱۳۸۳: ۳۴۹). نظام جمهوری اسلامی، نتیجه و برآیند انقلاب اسلامی است که در سال ۱۳۵۷ با رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید و جانشین نظام سلطنتی پهلوی گردید. هم‌اکنون انقلاب اسلامی ایران متأثر از مجموعه‌ای از ارزش‌ها، آرمان‌ها و تفکرات اسلامی - شیعی و نیز رفتارهای ملی است که به ویژه در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تبلور یافته و در قالب نظام سیاسی «جمهوری اسلامی» عینیت یافته است. دو ویژگی مهم انقلاب که اسپوزیتو آن را «اسلام‌گرایی - آرمان‌گرایی» و «مردمی بودن» می‌داند، به مانند زمان وقوع انقلاب در استمرار آن در سیستم حکومت جمهوری اسلامی نیز پابرجا مانده است (اسپوزیتو، ۱۳۹۳: ۸۶). از این رو انقلاب اسلامی ایران، باقی است؛ مادام که به آرمان‌ها و اصول آن پای‌بندی نشان داده شود.

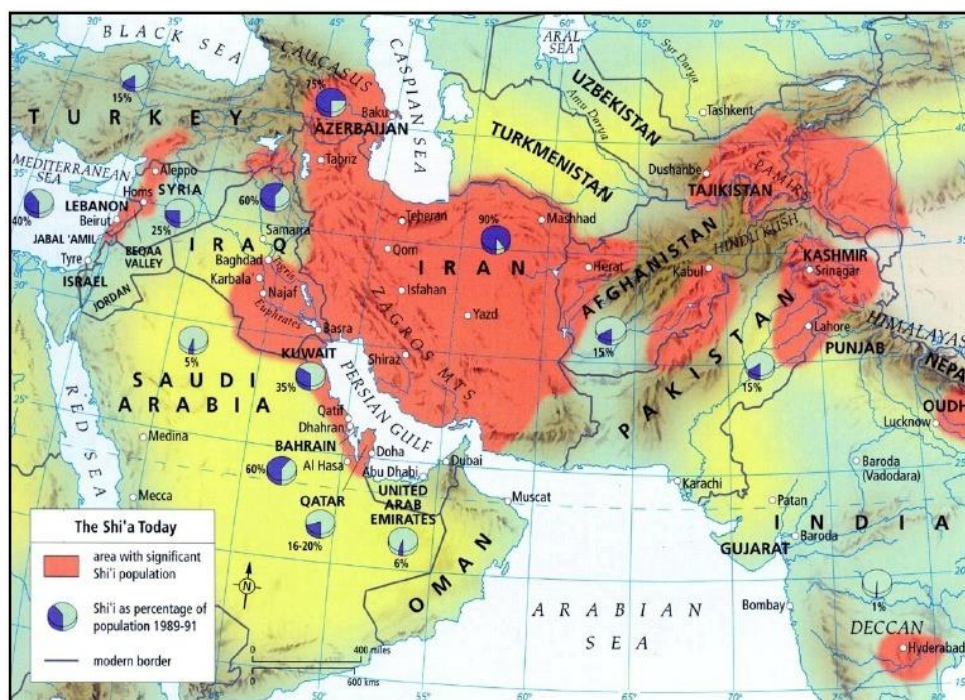
اصطلاح «صدور انقلاب» به عنوان ساخته امام خمینی (ره) و پرداخته استراتژیست‌های جمهوری اسلامی، به حقیقتی نظر داشت که از یک سو، انقلاب را مکلف به توجه امور مسلمانان و

مستضعفان جهان می‌نمود و از طرف دیگر، ایدئولوژی انقلاب را به دیگر کشورها به عنوان مدل جدیدی از تغییرات بنیادین صادر می‌نمود. اصل صدور انقلاب تا حد زیادی وظیفه دستگاه دیپلماسی انقلاب را مشخص می‌کرد؛ به طوری که تدوینگران قانون اساسی، روح اصل «صدور انقلاب» را در موادی از این قانون گنجانده (آرین‌پور: ۱۳۹۷). در اوایل انقلاب، در چگونگی راهبرد صدور انقلاب بحث‌های بسیاری مطرح بود تا اینکه امام خمینی (ره) تکلیف این بحث‌ها را با تأکید بر «صدور معنوی انقلاب» یکسره کردند. از آن پس تا به حال، دولت‌ها کم و بیش، اصل صدور انقلاب را با استفاده از چهار استراتژی: «الگوسازی»، «تبلیغ و آگاه‌سازی»، «آموزش» و «حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش» (محمدی، ۱۳۸۱: ۷۱) در تعامل با دیگران به ویژه در سطوح منطقه‌ای که منطقه غرب آسیا نمونه مورد تأکید این نوشتار است به پیش برده‌اند.

مؤلفه قدرت جمهوری اسلامی ایران

مؤلفه‌های قدرت ملی ایران، از جمله برخورداری از یک دولت ملی قوی، موقعیت ژئوپلیتیک و عنصر ایدئولوژی به شکلی است که به ایران نقش ممتازی در مسائل منطقه‌ای می‌دهد. ارزش استراتژیک ایران به دلیل عواملی در منطقه غرب آسیا است که سبب‌ساز موقعیت ایران در قالب بازیگری منطقه‌ای می‌گردد و این تمرکز بر منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران به طور خودکار منافع ملی ایران را در بلندمدت در پی خواهد داشت. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر مهم و اساسی در منطقه غرب آسیا نه تنها الزاماً به ایفای نقش می‌پردازد، بلکه در جهت تقویت نقش و افزایش منافع ملی به اتخاذ تصمیم مبادرت می‌کند. از این رو، از جمله مهم‌ترین فرصت‌های ایران موقعیت جغرافیایی شیعیان است. با نگاهی به نقشه جغرافیایی تشیع مشخص می‌شود که ایران در قلب قلمروهای شیعی جهان قرار گرفته است و پیرامون‌های شیعه بسان لایه‌هایی آن را احاطه کرده‌اند. انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ه.ش. در ایران نقطه عطفی در احیای هویت دینی شیعیان و حتی در نگاهی کلی‌تر، هویت دینی مسلمانان پدید آورد و تشیع و اسلام را در قلب حوادث و اخبار جهانی قرار داد. از دید جغرافیایی نیز، ایران یکی از وسیع‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشورهای منطقه است که با موقعیتی منحصر به فرد بین دریای خزر و خلیج فارس قرار گرفته است و بنابراین می‌تواند به یک کانون قدرتمند و مستقل ژئوپلیتیک با

نفوذ قابل توجه بر همسایگانش تبدیل گردد (گلشنی و سهرابی، ۱۳۹۳: ۸۸-۸۷). در شکل شماره (۱) نقشه پراکندگی شیعیان را به خوبی می بینید.



شکل شماره (۱): نقشه پراکندگی شیعیان در خاورمیانه (نصر، ۲۰۰۶: ۲۵)

امنیت

امنیت مقوله‌ای کلی و عمومی است و پرداختن به آن لازمه‌ی رفع هرگونه تهدید بالقوه و

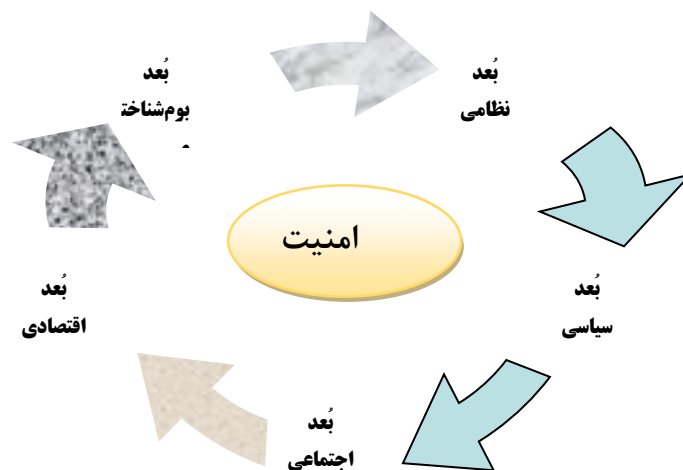
بالفعلی است تا انسان بتواند با آرامش

خاطر به دیگر وجوه زندگی خویش پردازد (عباس زاده فتح‌آبادی و سبزی، ۱۳۹۴: ۷۴۲).

«امنیت»^۱ مصدر جعلی یا صناعی فارسی و به معنی ایمن شدن، در امان بودن، بی بیمی است (معین، ۱۳۶۵: ۳۵۴). «ایمنی، آرامش و آسودگی» که در اصل از مصدر عربی «امن» اخذ شده و در زبان فارسی متداول شده است (عمید، ۱۳۷۵: ۲۷۵). معنا و مفهوم امنیت در واقع با واژه «امن» یکی است. چنانچه امن را به این گونه معنا و تبیین کرده‌اند: «اطمینان و آرامش خاطر، ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن» (قریشی، ۱۳۷۱: ۱۲۲). در واقع، امنیت را می‌توان یکی از نعمت‌های الهی تلقی کرد که در سایه آن انسان‌ها به آرامش و آسایش دست می‌یابند و در فقدان آن، ترس و اضطراب بر بشریت مستولی می‌شود. پاسداری از امنیت به عنوان یکی از موارد مربوط به مبانی تفکر سیاسی قرآن، از یک سو نظم متکی بر عدالت را هدف می‌گیرد و از سوی دیگر، ظلم، تجاوز به حقوق دیگران و فساد را از ریشه‌های ناامنی می‌داند (زاهدی اصل، ۱۳۸۵: ۵۳). از این رو اندیشمندان معاصر این حوزه، با توجه به شرایط عصر حاضر و لزوم توجه به تمام وجوه این مهم درصد هستند تا امنیت را با تمام خرده نظام‌های جامعه ارتباط دهند. بر این مبنا، از نظر «بوزان» امنیت اجتماعات بشری به پنج مقوله تقسیم می‌شود: «نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی». «**امنیت نظامی**» با ظرفیت‌های دفاعی و تهاجمی دولت‌ها و با ظرفیت نظامی دولت‌های دیگر مرتبط است. از این رو به طور سنتی بیشترین اولویت را در مفاهیم امنیت کسب می‌کنند. «**امنیت سیاسی**» در مورد ثبات سازمانی دولت است و ممکن است در جهت سرنگون کردن حکومت و یا دفاع از ایدئولوژی‌ها و نهادهای حکومتی، هدایت شود؛ به عبارت دیگر، امنیت سیاسی ناظر بر تداوم سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد. «**امنیت اجتماعی**» از نظر بوزان به حفظ مجموع ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن، افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند و با هویت اجتماعی و احساسات مشترکی که یک واحد جمعی را می‌سازد، مرتبط است. در واقع امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است. «**امنیت اقتصادی**» به معنای دسترسی به منابع مالی،

۱. security

طبیعی، انسانی و ... است؛ یا به بیان دیگر معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فردی می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد. هدف امنیت در این باب حفظ و رسیدن به سطوح قابل قبول از رفاه است. «**امنیت بوم‌شناختی**» (زیست‌محیطی) اشاره دارد به حفظ کردن زیست جهانی و محلی. تهدیدهای این بخش ممکن است به شکل زلزله، طوفان یا تهدیدهایی مانند آلودگی‌های فرامرزی باشد که در اشکال گوناگون به عنوان امنیتی پدیدار شوند؛ پس امنیت زیست محیطی ناظر بر حفظ محیط محلی و جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمام حیات بشری بدان متکی است، است (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). از این رو کشور ایران به عنوان قدرت غرب آسیا در صدد آن است تا علاوه بر تأمین عوامل نام برده از امنیت در داخل کشور خود، امنیت عوامل نام برده در کشورهای منطقه غرب آسیا را هم حفظ و کنترل نماید. بر این مبنا در شکل (۲)، ابعاد امنیت ترسیم شده است.



شکل (۲): ابعاد امنیت اجتماعات بشری (مأخذ: نگارندگان)

شاخص‌های قدرت منطقه‌ای

در مورد شاخص‌هایی که براساس آن‌ها قدرت منطقه‌ای تعریف می‌شود، اندیشمندان متعددی سخن گفته‌اند. از امتزاج و ترکیب دیدگاه‌های این نظریه‌پردازان می‌توان موارد زیر را استنتاج کرد:

ادعای رهبری منطقه‌ای: قدرت منطقه‌ای باید مدعی قرار داشتن در موقعیت رهبری منطقه باشد. از اصلی‌ترین وجوه استقرار در چنین موقعیتی، توانایی «قاعده‌سازی» است. همچنین در قالب این متغیر، باید «خودپنداری» قدرت منطقه‌ای و پذیرش این تصور و پندار از سوی بازیگران دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

ایجاد نفوذ و ساختارسازی منطقه‌ای: نفوذ یکی از مؤلفه‌های اثرگذاری دولت‌ها قلمداد می‌شود. در قالب نفوذ، قدرت منطقه‌ای می‌کوشد سایر دولت‌ها را به ادامه عمل یا سیاستی وادار کند که در راستای منافع اوست. قدرت منطقه‌ای باید در محدوده ژئوپلیتیکی و ساختار سیاسی اندیشه‌ای منطقه از نفوذ برخوردار باشد.

منابع: یکی از شروط لازم برای قرار گرفتن در موقعیت برتر و اعمال قدرت، برخورداری از منابع قدرت است؛ از این رو قدرت منطقه‌ای باید منابع ایدئولوژیک - سازمانی (سیاسی) و مادی (نظامی، اقتصادی و جمعیتی) برای قدرت‌افکنی منطقه‌ای داشته باشد.

ارتباط متقابل: ارتباط از مهم‌ترین متغیرهای تعیین‌کننده میزان و سطح تعامل قدرت منطقه‌ای با سایر کشورهای منطقه است. قدرت منطقه‌ای باید ارتباط متقابل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با سایر بازیگران منطقه‌ای برقرار کرده باشد.

تأثیرگذاری منطقه‌ای: کشور مدعی قرار داشتن در موقعیت قدرت منطقه‌ای باید دارای تأثیر زیاد و واقعی در امور منطقه‌ای (در ارتباط با فعالیت‌ها و نتایج آن‌ها) باشد.

تعیین دستور کار امنیت منطقه‌ای: دستور کارهای امنیتی، تعیین‌کننده اولویت‌های امنیتی و راهبر سیاست‌های سایر کشورها برای مقابله با چالش‌های موجود هستند. قدرت منطقه‌ای باید قادر باشد دستور کار امنیت منطقه‌ای را تعریف کند.

پذیرش قدرت منطقه‌ای: دولتی که در موقعیت قدرت منطقه‌ای قرار دارد، باید موقعیت برترش در منطقه از سوی سایر کشورهای خارج منطقه، به ویژه از طرف قدرت‌های منطقه‌ای دیگر، به رسمیت شناخته شود.

نمایندگی منافع منطقه‌ای در اجلاس‌های بین‌المللی: ضروری است قدرت منطقه‌ای با نهادها و اجلاس‌های جهانی و بین‌المللی تعامل داشته باشد و ضمن بیان منافع خود، به

عنوان نماینده منافع منطقه عمل کند (قلی زاده و کفاش جمشید، ۱۳۹۲: ۱۱۳-۱۱۲).

روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی-تحلیلی است. بر این اساس، در این تحقیق سعی شده علاوه بر تصویرسازی درست از جایگاه ایران در منطقه غرب آسیا به تشریح و تبیین تأثیرگذاری ایران در افزایش ابعاد امنیت در منطقه پرداخته و همچنین اثراتی که این افزایش امنیت در منطقه بر جای گذاشته شده است را بیان نماییم. در این راستا برای تبیین و توجیه امنیت منطقه غرب آسیا سعی شده با تکیه بر استدلال ها و نظراتی که از سوی صاحب نظران مختلف در این زمینه ارائه شده، به تجزیه و تحلیل پرداخته و براساس آن نتیجه گیری شود. لازم به ذکر است که در این تحقیق برای گردآوری و فیش برداری آن از اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. بر این مبنا، سؤال اصلی تحقیق نیز این است: جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی در امنیت غرب آسیا دارد؟

محدوده مورد مطالعه

غرب آسیا منطقه‌ای است شامل سرزمین‌های میان دریای مدیترانه و خلیج فارس. این منطقه در جنوب خاوری اروپا، جنوب باختری آسیا و شمال آفریقا قرار دارد. از این رو غرب آسیا بخشی از آفریقا - اوراسیا یا به طور خاص آسیا شمرده می‌شود و در بعضی موارد، جزئی از آفریقای شمالی را در بر می‌گیرد. این ناحیه گروه‌های فرهنگی و نژادی گوناگونی از قبیل فرهنگ‌های ایرانی، عربی، بربرها، ترکی، کردی، یهودی و آسوری را در خود جای داده است. زبان‌های اصلی این منطقه فارسی، عربی، ترکی، کردی، عبری و آسوری است. غرب آسیا تنها یک تعبیر ساده جغرافیایی نیست و با گذشت زمان به محتوای سیاسی و راهبردی این منطقه روز به روز افزوده شده است. این منطقه مهد تمدن‌های بزرگ و مرکز و خاستگاه سه دین بزرگ یهودیت، مسیحیت و اسلام است. غرب آسیا از میانه قرن بیستم، مرکز توجه جهانی و شاید حساس‌ترین منطقه جهان از نظر استراتژیکی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده است. این منطقه دارای بزرگ‌ترین منابع نفت و مکان کشمکش‌های دراز مدت اعراب و اسرائیل است؛ بنابراین کشورهای غرب آسیا عبارتند از: ایران، عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی، عمان، عراق،

بحرین، یمن، فلسطین اشغالی، اردن، سوریه، لبنان، کویت، مصر؛ که در این میان ایران همانند صدفی در میان مروارید در درون نقشه جغرافیایی جهان می‌درخشد.



شکل (۳): منطقه غرب آسیا

یافته‌های تحقیق

تبیین جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران در منطقه

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ جغرافیایی در آسیای جنوب غربی که منطقه و محدوده توسعه ایران در سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ هجری شمسی ایران ۲۰ ساله است، قرار گرفته است که شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه کوچک، خلیج فارس و شبه قاره، افغانستان و پاکستان است. قرار گرفتن ایران در این منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک از جهان که محل تلاقی و راه ارتباطی اروپا به جنوب و جنوب شرق آسیا، محل زندگی بیش از یک سوم جمعیت جهان و پل ارتباطی میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا است و امکان دسترسی کشورهای تازه استقلال یافته به آب‌های آزاد از طریق ایران را فراهم می‌سازد. حساسیت‌های امنیتی-سیاسی حاکم بر منطقه به ویژه نزدیکی جغرافیای ایران به رژیم صهیونیستی که امنیت آن به لحاظ استراتژیکی برای آمریکا از

اهمیت زیادی برخوردار است و همچنین موقعیت ژئواستراتژیک جمعیت کمی و کیفی سرزمینی، منابع سرشار انرژی و ظرفیت های بالقوه و بالفعل رشد و توسعه ایران، ایران را به مرکز ثقل اهرم سیاست خارجی قدرت های بزرگ قرار داده است، به حدی است که حتی بی طرفی ایران در خصوص مسائل منطقه ای و بین المللی برای قدرت های بزرگ رضایت بخش و قانع کننده نباشد. بر این اساس، با توجه به اینکه ایران در این منطقه حساس جهانی دارای نقش و موقعیت حساسی است که آمریکا در عرصه سیاست های استراتژیک خود در قبال خاورمیانه نمی تواند آن را مد نظر قرار ندهد. رفتار آمریکا با ایران و قرار دادن ایران در محوریت شرارت از یک طرف و انتقال خط مهار ایران توسط آمریکا از البرز به منتهی الیه زاگرس و در نهایت تکمیل محاصره ایران از جهات شمال و جنوب و قرار دادن ایران در حلقه انگشتی متحدان خود بسیار قابل ملاحظه و تأمل است. از این رو به دلیل ضعف ساختار اقتصادی کشورهای منطقه، به خصوص کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و عدم توانایی لازم برای همراهی با فرآیند جهانی شدن، سرمایه گذاری ایران در این منطقه موجب تأمین منافع ملی این کشور خواهد شد.

پس از فروپاشی شوروی و از میان رفتن مرکزیت سیاست خارجی آمریکا در بلوک شرق، موضوعاتی مانند بروز شکاف میان آمریکا و شرکای استراتژیک آن، رویکرد مخالفت جویانه چین، ناتوانی آمریکا از کنترل تکثیر سلاح های هسته ای، گرایش روسیه به اقتدارگرایی، تقلیل جایگاه بی همتایی اقتصادی، اطلاعاتی و نظامی و همچنین ناتوانی آمریکا از ارتقای آزادی همگی باعث شده که آمریکا در سیاست خارجه خود تجدیدنظر کرده و منافع خود را در تعیین اولویت های سیاسی خارجی جدید به منطقه آسیای غربی به ویژه کشور ایران متمرکز کند. سرمایه گذاری های طولانی مدت کشورهای قدرتمند در سال های اخیر به ویژه آمریکا و قلع و قمع مبارزان فلسطینی با دستان رژیم سر سپرده و نامشروع اسرائیل بدان جهت صورت می پذیرد که ایران دارای موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک بالایی است. نظر به اینکه ملاک قدرت در قرن بیست و یکم، توانمندی اقتصادی در سطح بین الملل است؛ خاورمیانه و به ویژه منطقه خلیج فارس به دلیل داشتن این توانمندی از مناطق مهم ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خواهد بود. طبیعی است ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای منطقه در قرن بیست و یکم از لحاظ راهبردی و اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است. بدیهی است دستیابی به جایگاه هژمونیک و

ایفای نقش مؤثر در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه همواره یکی از اهداف سیاست خارجی ایران بوده است. وابستگی پایه‌های اصلی اقتصاد کشورهای توسعه یافته بر انرژی نفت و گاز و نیازهای جهانی به ذخایر معدنی و هیدروکربوری موجود از یک طرف و قرار گرفتن ایران در مرکز بیضی استراتژیک هیدروکربوری جهان در خاورمیانه و آسیای میانه که منبع اصلی تغذیه انرژی جهان به شمار می‌آید و بخش قابل توجه منابع نفت و گاز جهان را در خود جای داده است، از طرف دیگر؛ موقعیت ایران از لحاظ دسترسی و تسلط بر منابع نفت و گاز و راه‌های انتقال آن را منحصر به فرد می‌کند. وجود منابع عمده انرژی و نفت در خاورمیانه، موقعیت ایران را به حدی ارتقاء بخشیده است که با اکثر کشورهای همسایه دارای علایق مشترک ژئوپلیتیک است. خطوط لوله انتقالی از مسیر ایران به غرب به مقصد اروپا و جنوب خلیج فارس به عنوان کوتاه‌ترین، امن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیرهای مطرح، اگرچه با ممانعت‌های آمریکا مواجه شد، اما هیچ‌گاه از موقعیت حساس و ژئوپلیتیک ایران نکاسته است. در هر حال، ایران برای منطقه محصور در خشکی آسیای مرکزی، یک کشور ترانزیتی مطلوب است که می‌تواند تولیدات نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان را به بهترین شکل به دریای آزاد برساند و با وجود تلاش دولت آمریکا برای نادیده گرفتن این ویژگی و سیاسی کردن راه انتقال نفت و گاز، هنوز ایران به عنوان امن‌ترین، اقتصادی‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر برای انتقال منابع انرژی به آب‌های آزاد مطرح است (شهاب فهیم دانش: ۱۳۸۴)؛ بنابراین، ایران حاکمیت ۵۰٪ یکی از مهم‌ترین تنگه‌های بین‌المللی یعنی تنگه هرمز را دارا است که نبض خلیج فارس را در دست دارد. از نظر جغرافیایی اصولاً خلیج فارس یک دریای عمیق نیست و جالب آنکه عمیق‌ترین قسمت آن نیز که جهت کشتیرانی و به ویژه حمل و نقل کشتی‌های بزرگ مناسب است، تقریباً در محدوده متعلق به ایران واقع شده است. در خصوص کشتیرانی در خلیج فارس و اهمیت جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک در این میان باید اشاره کرد که به علت عمق کم آب در تمام نقاط تنگه هرمز که از رأس منسدم تا بندرعباس امتداد دارد، کشتی‌های بزرگ قادر به عبور نبوده و مجبور هستند از ناحیه محدودی که معادل ۱۰ کیلومتر است و عمق آب جهت عبور آن‌ها کافی است، حرکت نمایند. در قسمت شمال این معبر، جزایر ایرانی قشم، هرمز و لارک قرار دارند. علاوه بر این، در ابتدای این راه عبور، کشتی‌های بزرگ جنگی و نفت‌کش‌ها مجبور هستند از کنار جزایر ایرانی تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی

و ... عبور کنند. با این وجود، باید مهم ترین دلیل اهمیت جزایر سه گانه را در مباحث نظامی جستجو کرد. این دو جزیره تنب بزرگ و کوچک به همراه ابوموسی بخشی از سیستم دفاعی و حفاظتی تنگه هرمز و کرانه های جنوبی کشور را تشکیل می دهند و به علاوه موقعیت جغرافیایی آن ها در عمق آب های خلیج فارس و همچنین در داخل دو کریدور رفت و برگشت طرح تفکیک تردد بین المللی کشتی ها، از اهمیت استراتژیک خاصی برخوردار نموده است (شهاب فهیم دانش، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۷).

حضور نیروهای فرامنطقه ای، مخل امنیت غرب آسیا

آمریکا مهم ترین کشوری است که به دنبال هم پیمان و در عین حال عامل بی ثباتی در منطقه است. این کشور سعی دارد قدرت نفوذ ژئوپلیتیکی خود را در منطقه گسترش دهد. مهم ترین علت آن هم نیاز به نفت خلیج فارس، کنترل منابع انرژی، جلوگیری از گسترش نفوذ ایران، تحت فشار قراردادن ایران و پشتیبانی از رژیم صهیونیستی و حذف رقبای دیگر شامل اتحادیه اروپا، چین، روسیه و حتی ژاپن است. آمریکا سعی دارد در کنار ایجاد تفرقه در جهان اسلام، روابط جهان اسلام و اسرائیل را بهبود ببخشد. مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند: «آمریکا نفع خودش را، منافع خودش را در شرایط کنونی در بی ثباتی این منطقه می بیند، مگر آن وقتی که به طور کامل خودش را مسلط بر منطقه بکند؛ تا قبل از آن، نفع آمریکا در بی ثباتی منطقه است» (خامنه ای، ۱۳۹۹)؛ همچنین از نفوذ ایران در میان کشورهای جهان اسلام می ترسد. لذا تمام تلاش خود را می کند تا منطقه را بی ثبات کند تا ایران به جای گسترش نفوذ خود، هزینه های مادی و معنوی خود را صرف و ایجاد امنیت در منطقه کند (جوفار، ۱۴۰۰: ۲۸۸). مقام معظم رهبری نیز با تأکید بر این حضور ویرانگر ایالات متحده به توانایی ارتش های کشورها برای ایجاد امنیت اشاره می کنند و می فرمایند: «ما باید به این توجه کنیم که در منطقه ی خود ما، حضور ارتش های بیگانه از جمله ارتش آمریکا مایه ی ویرانی و جنگ افروزی است؛ همه باید سعی کنند که ارتش ها را مستقل، متکی به ملت ها و هم افزای با ارتش های دیگر همسایگان و دیگر ارتش های منطقه قرار بدهند؛ صلاح این منطقه در این است. نگذاریم و نگذارند که ارتش های بیگانه به عنوان [تأمین] منافع ملی خودشان - که هیچ

ربطی به ملت آن‌ها ندارد- از هزارها فرسنگ راه بیایند و در این کشورها دخالت کنند، حضور نظامی پیدا کنند و در ارتش‌های آن‌ها دخالت کنند. ارتش‌های خود این ملت‌های منطقه می‌توانند این منطقه را اداره کنند؛ اجازه ندهید که دیگران وارد بشوند» (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۰).

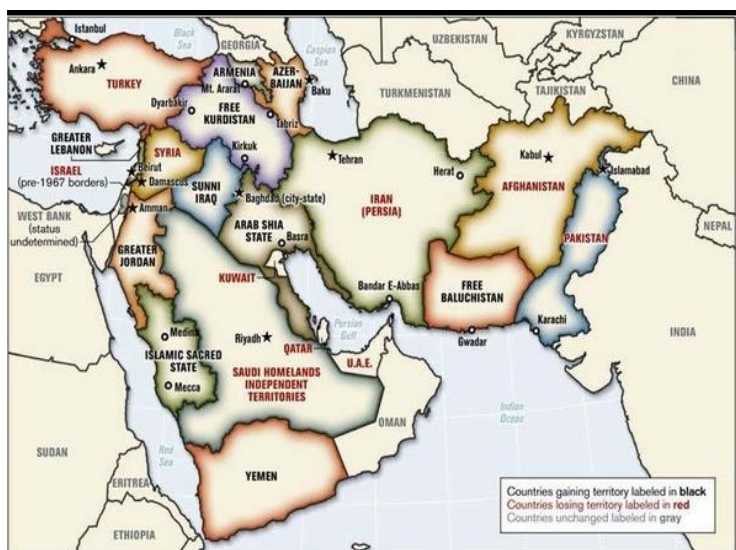
البته مقام معظم رهبری حضور این کشور را در منطقه اشتباهی بزرگ می‌دانند، ایشان می‌فرمایند: «آمریکایی‌ها در برخورد با ما اشتباه کردند؛ در کل مسائل منطقه هم متأسفانه آمریکایی‌ها دچار اشتباهند؛ الان هم دارند اشتباه می‌کنند؛ این حمایت ظالمانه‌ای که از رژیم صهیونیستی می‌کنند، اشتباه است؛ حضور غاصبان‌های که در سوریه پیدا کردند، حضور مفصلی که در شرق فرات پیدا کردند قطعاً اشتباه است؛ این همراهی کردن با دولت سعودی در کوبیدن مردم مظلوم یمن، قطعاً اشتباه است» (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۰). مقام معظم رهبری این اشتباه را ناشی از عدم شناخت از منطقه و همچنین عدم شناخت از ملت‌های منطقه غرب آسیا می‌دانند و می‌فرمایند: «بنابراین بدانید که این منطقه را نمی‌شناسید، ملت‌ها را نمی‌شناسید و دارید اشتباه می‌کنید» (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۰).

ایران بزرگ‌ترین مانع در اجرای طرح سنای آمریکا برای تجزیه غرب آسیا

از سوی دیگر، سنای آمریکا در سال ۲۰۰۷ طرحی را به تصویب رساند که در آن کشور عراق به ۳ منطقه سنی، شیعه و کردنشین تقسیم می‌شد و به این مناطق نیز خودمختاری اعطا می‌گردید. این طرح که توسط «جوزف بایدن» ارائه شد و یک طرح پیشنهادی برای برون‌رفت از بحران‌های ناشی از اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳ است، نشان می‌دهد که تجزیه‌طلبی در منطقه حتی در نهادهای غیرامنیتی ایالات متحده نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. تصویب این طرح در سنا، نشانگر اهمیت یافتن تجزیه کشورهای منطقه در نگاه مقام‌های آمریکایی طی سال‌های آغازین قرن جاری است و باعث می‌شود تا مجموعه اسناد موجود در این رابطه از حساسیتی دو چندان برخوردار شوند. از جمله این اسناد، طرح «برنارد لوئیس» برای تجزیه منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا است که در دهه ۱۹۸۰ تنظیم شده است. ماجرا از این قرار است که در ماه‌های آغازین جنگ عراق علیه ایران، «برژینسکی» مشاور وقت امنیت ملی آمریکا از ضرورت اصلاح قرارداد «سایکس پیکو» خبر داد و به دنبال آن و همچنین به دستور وزارت دفاع آمریکا، «برنارد لوئیس»

مأمور شد تا طرح مشهور خود درباره از بین بردن وحدت قانونی مجموعه کشورهای اسلامی و عربی را وضع کند. در این میان موظف گردید برای هر یک از این کشورهای اسلامی و عربی طرح مجزا و مشخصی را تنظیم کند. این طرح کشورهایی چون عراق، سوریه، لبنان، مصر، سودان، ایران، ترکیه، افغانستان، پاکستان، عربستان سعودی و کشورهای حوزه خلیج فارس و شمال آفریقا را در بر می گرفت. برنارد لوئیس برای اولین بار در نشست سال ۱۹۷۹ اعضای بیلدبرگ در اتریش در مورد طرح خود سخن گفت. او طرح خود را که شامل تجزیه کشورهای غرب آسیا از جمله ایران به کشورهای کوچک قابل مدیریت بود، برای سران اقتصادی و سیاسی شرکت کننده در بیلدبرگ ارائه داد. در این طرح کشورهای غرب آسیا براساس بنیان های زبانی، نژادی و منطقه ای تکه پاره می شوند. براساس این طرح انگلیس باید از شورش های قومی اقلیت هایی مانند دروزی ها در لبنان، بلوچ ها، ترک ها و کردها در ایران، علوی ها در سوریه، عیسویان در اتیوپی، فرقه های مذهبی در سودان، قبایل عرب در کشورهای مختلف عربی، کردها در ترکیه و... حمایت کند. هدف این طرح تکه تکه کردن منطقه ی غرب آسیا و تبدیل آن به موزاییکی از کشورهای کوچک و ضعیف در حال رقابت با یکدیگر است تا از این طریق قدرت جمهوری ها و پادشاهی های فعلی تضعیف شود. برنارد لوئیس همچنین مقاله ای را در فارین افرز با عنوان «بازاندیشی خاورمیانه» منتشر کرد. او ظرفیت تجزیه این منطقه و تبدیل آن «به هرج و مرجی آکنده از نزاع ها، دشمنی ها، فرقه ها، مناطق و قبایل در حال جنگ» را پیش بینی کرد. در سال ۱۹۸۳ کنگره آمریکا نیز با برگزاری نشستی با حضور برنارد لوئیس طرح او را تصویب کرد و دستور داد این طرح در سیاست استراتژیک آمریکا برای سال های آینده گنجانده شود. بعد از اینکه برنارد لوئیس کلیات تجزیه و تفکیک کشورهای غرب آسیا را طراحی و ارائه کرد؛ رالف پیترز، سرهنگ بازنشسته ارتش آمریکا مسئول آن شد تا نقشه جغرافیای تجزیه کشورهای این منطقه را ترسیم کند. طبق نقشه ترسیم شده پیترز، کشورهای سوریه و عراق به ۳ کشور، لبنان به ۸ کشور، کشورهای شمال آفریقا به ۶ کشور، مصر و سودان به ۹ کشور مجزا، ایران و پاکستان و افغانستان در مجموع به ۱۰ کشور و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز به ۳ کشور تجزیه می شدند. فلسطین نیز طبق خواسته رژیم صهیونیستی برای همیشه از روی نقشه جغرافیایی محو می شد و کشورهای اردن و یمن نیز به سرنوشت کشور فلسطین دچار می شد (Kurt, 2014:15). از این رو هر چند که آمریکا تمام سعی

و تلاش خود را کرده بود تا بتواند کشورهایی از جمله (سوریه، عراق، یمن، لبنان، افغانستان، پاکستان و ایران) را تجزیه و هرکدام را به چند کشور تجزیه نماید؛ اما جمهوری اسلامی ایران چون سدی در برابر سیاست‌های شوم آمریکا ایستاده و تمام ضربات آن‌ها تا به حال مهار کرده است. ایران توانست بر ناامنی عراق و سوریه پایان دهد و مانع از تجزیه عراق توسط کردها شود، امنیت را به قطر و یمن بخشید و آن‌ها را مورد حمایت خود قرار داد و همچنین تعدادی از کشورهای آفریقایی را امنیت بخشید؛ ولی هرچند که باز هستند کشورهایی که از ناملاپتمنی‌های شوم سیاست‌های جهانی در فقر و ناعدالتی و ناامنی به سر می‌برند و امیدواریم که کشور ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای بتواند در آینده‌ای نزدیک امنیت را به منطقه و جهان بازگرداند و زمینه صلح جهانی را فراهم آورد. شکل شماره (۴): توسط ژنرال رالف پیترز طراحی شده که در مجله نیروهای مسلح در ژوئن ۲۰۰۶ به چاپ رسید؛ وی معتقد بود که چنین نقشه‌ای براساس قومیت‌ها و مذاهب می‌تواند تنش‌ها را کاهش دهد.



شکل (۴): نقشه طراحی شده ژنرال رالف پیترز براساس قومیت‌ها و مذاهب (Kurt, ۲۰۱۴: ۱۵)

بازتاب و ثمرات جهانی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین رخدادهای اجتماعی در قرن بیستم است. در جهانی

که تغیر و تحولات مستمر، مرزهای طبیعی جوامع را درنوردیده و سرنوشت ملت‌ها را به هم پیوند زده، پدیده‌ای با این گستردگی و عظمت نه تنها نهادها و نظام‌های سیاسی یک ملت و یک قوم را در هم ریخته و سرنوشت تاریخی آنان را در مسیر تغییرات بنیادین قرار داده است؛ بلکه دامنه‌های آن بسی فراتر از یک کشور رفته و ملت‌هایی را در سمت و سوی تازه و دنیایی نو به جریان انداخته است. تمامی تئوری‌های سیاسی و سیاست‌گذاری‌های شرق و غرب و حتی نهضت‌ها و گروه‌ها و احزاب سیاسی موجود در کل منطقه‌ی آسیا و خاورمیانه را به چالشی جدید فراخوانده و این تأثیرات حتی تا قلب اروپا و آمریکا پیش رفته است. از این رو شناخت درست این پدیده و میزان تأثیرات آن در گستره‌ی نظام‌های جهانی به شدت لازم و ضروری است؛ بنابراین می‌توان گفت بازتاب و ثمرات این انقلاب و در پی آن قدرت یافتن آن در منطقه و جهان به حدی بوده است که توانسته امنیت را به منطقه بازگرداند و موفقیت‌های بزرگی از جمله نابودی و به هلاکت رساندن گروهک‌های تروریستی داعش را در منطقه داشته باشد و ثمرات این انقلاب هم نصیب سایر کشورهای منطقه شده باشد.

طی یک دهه گذشته منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا با مناسبات و تحولات ژئوپلیتیکی فراوانی همراه بوده است که از آن به عنوان‌های مختلفی مانند بیداری اسلامی، انقلاب عربی، بهار عربی، بیداری انسانی و... یاد شده است که این تحولات و مناسبات ژئوپلیتیکی باعث ظهور بازیگران جدید و غیر ملی در این منطقه گردیده که حوزه ژئوپلیتیک شیعه را با تغییرات فراوان روبرو ساخته است و عملاً هر نقطه‌ایی از منطقه که گروهی از شیعیان در آنجا وجود داشته‌اند، توانسته‌اند با توجه به این تحولات صورت گرفته در یک دهه گذشته تأثیرگذار باشند و در بیشتر مواقع توانسته‌اند به اهداف خود برسند و تأثیرگذاری فراتر از انتظار را از خود بروز دهند و به واقعیتی انکار نشدنی تبدیل گردند که این موفقیت‌ها را می‌توان در آموزه‌های آن‌ها مشاهده کرد که در تفکر و استراتژی شیعه برای رسیدن به هدف که همان آزادی و عدالت است، هیچ مصلحتی پذیرفته نیست و این باعث مقاومت تا پای جان که ریشه آن از آموزه‌های عاشورا است. از مهم‌ترین بازیگران غیر ملی شیعه در منطقه شامل بازیگری حزب‌الله، علویان، زینیون در سوریه که عملاً باعث عدم سقوط سوریه و تجزیه آن گردیده‌اند و از جان گذشتگی‌هایی که این گروه‌های شیعه جهت مقابله با داعش و مخالفان دولت سوریه داشته‌اند، تأثیرگذاری حشد الشعبی به عنوان

یک نیروی نظامی استراتژی شیعه در عراق و گروه‌های دیگری شیعه که هر کدام تأثیرگذاری مهمی در تحولات عراق طی یک دهه گذشته در مقابل داعش و نیروهای مخالف حکومت عراق داشته‌اند، بازیگری انصار الله یمن در مقابل ظلم و تفکرات ظالمانه حکومت و مقابله با تفکرات وهابیت و عربستان در یمن که باعث گردید در مقابل اتحاد عربستان بدون هیچ امکاناتی مقابله کند، بسیج مردمی بحرین با رهبری روحانیون بحرینی مانند عیسی قاسم در مقابل آل خلیفه که با دخالت عربستان مانع سقوط حکومت آن‌ها گردیده و همچنین تأثیرگذاری شیعیان در کشورهای دیگر که در آینده می‌توانند در حکومت و کشور جایگاه ویژه‌ای پیدا کنند و حکومت‌های دیگر نمی‌توانند آن‌ها را نادیده بگیرند مانند شیعیان عربستان، افغانستان، هند، پاکستان، نیجریه و... این موفقیت‌های شیعیان در منطقه موجب شده، ایفای نقش شیعیان در کانون تحولات منطقه در یک دهه اخیر قرار گیرد و این عوامل به همراه قرارگیری شیعیان در مناطق استراتژیک و توانمندی ژئواکونومیک و از همه مهم‌تر پیوند و اشتراک شیعیان با همدیگر جهت مقابله با ظلم و به دست آوردن آزادی با توجه به آموزه‌های قدرتمند خود مانند عاشورا و اربعین سبب ارتقای جایگاه تشیع و تبدیل آن به یک مؤلفه ژئوپلیتیک قدرتمند گردیده است (احمدی نوحدانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴-۲۵).

در تقسیم‌بندی‌های متداول، جهان اسلام به چهار بخش مرکزی، شرقی، غربی و شمالی تقسیم می‌شوند. در این میان بیشتر کشورها و جوامع شیعی به دلیل واقع شدن در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در بخش مرکزی جهان اسلام قرار گرفته‌اند. این بخش از جهان اسلام که بیشتر جمعیت شیعیان در آن قرار دارد، از حیث نقش‌آفرینی سیاسی آن‌چنان قوی عمل می‌کند که قادر است سیاست‌های جهانی را تحت تأثیر قرار دهد و به نوعی دارای موقعیت هارتلند در جهان اسلام و حتی در مقیاس بین‌المللی است. علاوه بر حضور جوامع شیعی در بخش مرکزی جهان اسلام جمعیت‌های شیعی در منطقه شبه قاره و قفقاز جنوبی نیز حضور دارند (حافظ نیا و احمدی، ۱۳۸۸: ۱۸۱-۱۸۰). در مجموع موقعیت جغرافیایی جوامع شیعه به دلایل زیر حائز اهمیت استراتژیک است:

۱. کشورها و جوامع شیعی در محل اتصال سه قاره بزرگ آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته و در شکل گیری تعاملات فضایی بین آنها نقش آفرینی می نمایند. این موقعیت جغرافیایی باعث شده که کشورهای شیعی در کانون تحولات بین المللی قرار گیرند.
۲. حضور در پایتخت ها و مراکز سیاسی - اقتصادی مهم؛ این حضور در شهرهای مهم کشورهای عراق، عمان، کویت، بحرین و قطر بسیار محسوس است. نکته قابل تأمل آن است که تقریباً در همه این کشورها، شهرهای شیعه نشین از موقعیت استراتژیک برخوردارند.
۳. قرار گرفتن در کانون تجارت (مناطق آزاد تجاری) در خلیج فارس؛ حضور شیعیان در این مناطق فرصت هایی را به آنها می دهد تا به دور از محدودیت ها و تبعیض هایی که از جانب دولت ها بر آنها تحمیل می شود، به فعالیت اقتصادی بپردازند (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷: ۱۲۴-۱۲۳).
۴. تمرکز ذخایر فسیلی در مناطق شیعه نشین؛ به طوری که بیش از ۶۳ درصد از منابع نفتی جهان در خلیج فارس قرار دارد که بیشتر جمعیت این منطقه را شیعیان تشکیل می دهد؛ همچنین قرارگیری کشورهای شیعه عراق، ایران، بحرین و آذربایجان در بیضی استراتژیک میان خلیج فارس و دریای خزر.
۵. در اختیار داشتن تنگه استراتژیک هرمز و سواحل خلیج فارس و دریای عمان و همچنین بخش هایی از سواحل خزر.
۶. در اختیار داشتن موقعیت ارتباطی هوایی، ریلی و جاده ای و مسیرهای ترانزیت کالا، مسافر و انرژی.
۷. قرارگیری در موقعیت مرکزی و قلب جهان اسلام موجب می شود که کشورهای شیعی پیوندهای کشورهای مختلف اسلامی باشند؛ به طوری که غرب و شرق جهان اسلام

توسط کشورهای شیعه به یکدیگر متصل می‌شوند؛ بنابراین، کشورهای شیعه نقش محوری را در اتخاذ کشورهای اسلامی ایفا می‌نمایند (ایزدی و دبیری، ۱۳۹۱: ۳۰۶).

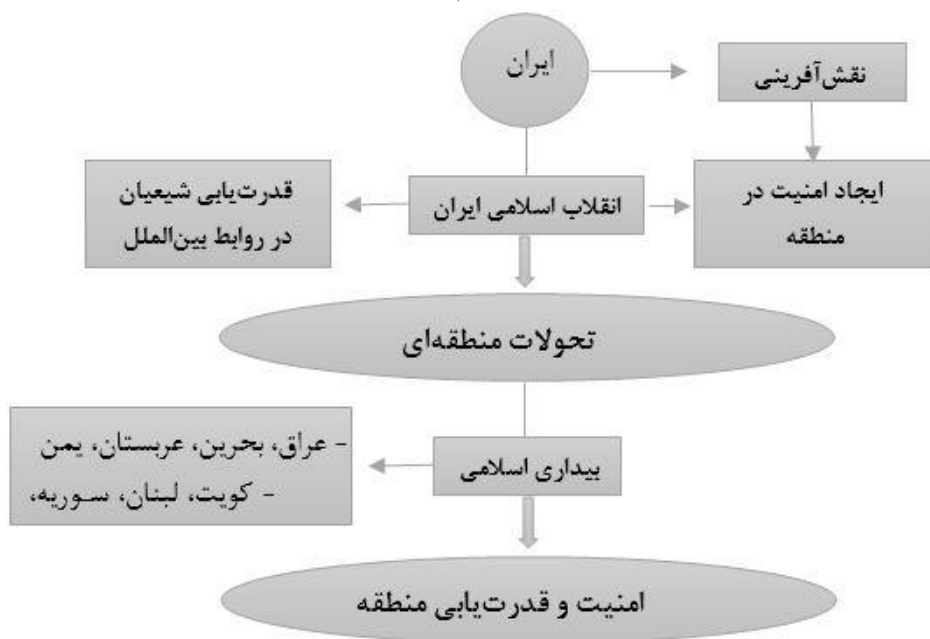
نقش جمهوری اسلامی ایران در قدرت یابی و امنیت منطقه

به دنبال انقلاب ایران، شیعیان در کشورهای مختلف با احساس هویت و خودباوری به سمت تشکیلاتی شدن و تأسیس احزاب گوناگون حرکت کردند و به تبع آن به تدریج توانستند در نظام‌های مدیریتی کشورهاشان (دولت، پارلمان) وارد شده، اثرگذار باشند (احمدی و حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۱۵۶). به عنوان نمونه می‌توان تأثیر انقلاب ایران را در رویدادهای اخیر عراق مشاهده کرد؛ سرنگونی صدام و نقش تأثیرگذار شیعیان بر کنترل بحران‌های پس از آن موجب ایجاد و گسترش نوعی خودآگاهی و خودباوری و توجه به اهمیت خود در معادلات سیاسی شده است (تلاشان، ۱۳۸۹: ۱۱۷). به گونه‌ای که در حال حاضر شیعیان در کلیه نهادهای سیاسی جدیدالتاسیس، جایگاه مناسبی به خود اختصاص داده‌اند و در هیچ کدام از نهادهای اساسی، بدون نظر شیعیان، تصمیم سازی امکان‌پذیر نیست (همان، ۱۳۳). در برخی کشورهای دیگر چون افغانستان و پاکستان نیز این امر صادق است؛ هم اکنون هزاره‌ها در افغانستان به صورت یکی از بازیگران عمده صحنه سیاسی این کشور و به طور کلی منطقه و حتی جهان درآمده است و شیعه مذهب بودن هزاره‌ها نیروی محرک این تحول به شمار می‌رود (توال، ۱۳۸۰: ۹۰). در پاکستان نیز گرچه شیعیان در میان اکثریت سنی، اقلیت به شمار می‌روند اما از نظر سیاسی از موقعیت خوبی برخوردار بوده‌اند. در حال حاضر افسران و ژنرال‌های زیادی از شیعیان در ارتش مشغول خدمت‌اند و در مجلس سنا و ملی نیز حضور دارند (فاضلی نیا، ۱۳۸۶: ۱۷۲). در پی قدرت گرفتن شیعیان در ساختار سیاسی کشورهای خود، آن‌ها به ایفای نقش در عرصه بین‌المللی نیز پرداخته‌اند؛ به گونه‌ای که در این دوره پایانی قرن بیستم، تشیع دست کم از نظر افکار عمومی کشورهای غربی شبح هولناکی شده است (توال، ۱۳۸۰: ۱۷۲)؛ چرا که به صورت یکی از بازیگران اصلی در جامعه بین‌المللی و جهان درآمده (همان، ۱۸۱) و منشأ بسیاری از تحولات سیاسی و اجتماعی در کشورهای جهان بوده است که این امر در افزایش قدرت شیعیان در منطقه و جهان تأثیر بسزایی داشته است؛ به گونه‌ای که قدرت‌های جهانی دیگر نمی‌توانند شیعیان را در بازی‌های سیاسی و تحولات جهانی نادیده بگیرند

و از بازیگری آن‌ها در روابط بین‌الملل جلوگیری کنند.

موضع انقلاب اسلامی در روابط با ابر قدرت‌های دوره جنگ سرد و نفی سلطه آن‌ها و پرهیز از فرو رفتن در قالب یکی از اردوگاه‌های کلاسیک، باعث ورود نیروی سومی در صحنه روابط بین‌المللی گردید. نیرویی که از پتانسیل بالا برای تحول‌آفرینی برخوردار بود و برعکس نیروهای سوم نظیر جنبش غیرمتعهدها، کنفرانس اسلامی، اتحادیه‌های منطقه‌ای و... نیروی جدید با پتانسیل بالا و موضعی تهاجمی نسبت به نظام موجود وارد عرصه بین‌المللی گردید (حافظ نیا، ۱۳۷۸: ۳۴). این نیرو علیرغم قراردادن در شرایط ناتوانی قدرت نسبت به دو ابر قدرت سنتی یعنی آمریکا و شوروی، توانست روابط بین‌المللی را تحت‌الشعاع قرار داده و روابط متقابل و یا یکسویه موجود در اردوگاه‌های دوگانه را دچار تزلزل نماید و دولت‌های متمایل به اتخاذ مواضع مستقل‌تر را وادار به جدایی از اردوگاه‌ها کند و روحیه اعتراض نسبت به نظام سلطه دوقطبی را در آن‌ها تقویت کند (فوکو، ۱۳۷۹: ۸). انقلاب اسلامی ایران ماهیت و رسالتی فراملی دارد. انقلاب فراملی برخلاف انقلاب ملی، دارای اهداف و آرمان‌هایی است که فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران می‌رود؛ آمل و آماجی که معطوف به انسان‌ها و ملت‌های دیگر در جوامع دور و نزدیک است. از این رو، انقلاب اسلامی ایران فراتر از تغییر و تحول ساختاری و هنجاری در جامعه و ملت ایران درصدد ایجاد تغییرات و تحولات بنیادی در دیگر جوامع و ملت‌ها براساس نظم و امنیت سیاسی - اجتماعی اسلامی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۱). از جمله ویژگی‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی برای غرب و حتی جهان اسلام، احیای افکار و اندیشه‌های اسلامی در سراسر جهان بود. مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی بر احیای ارزش‌ها و آگاهی‌های اسلامی، القای تفکر اسلام سیاسی بود. اسلامی که به زعم بسیاری در صفحات کهن تاریخ فرتوت شده و از اذهان رخت بر بسته بود، اینک با هسته‌ای قدرتمند و امواجی فراتر از مرزهای ملی بازگشته و به جریان افتاده بود. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که ادیان به ویژه دین اسلام با گذشت زمان و توسعه مدرنیسمون نه تنها به پایان راه نرسیده است، بلکه مجدداً به عنوان مهم‌ترین راه نجات بشریت از ظلم و بیدادگری احیا شده و دنیای مادی‌گرای معنویت‌گریز را متوقف ساخته و دریچه‌ای از معنویات و اعتقادات مذهبی را در راستای رستگاری و رهایی بشریت از قید قدرت‌های استعمارگر گشوده است (محمدی، ۱۳۷۷: ۱۳). در نهایت اینکه، تأثیرات بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران و

قدرت‌یابی شیعیان در سطح بین‌المللی زمینه‌ای شد تا شیعیانی که در کشورهای حاشیه خلیج فارس تحت حاکمیت امرای سنی بودند، در حالی که اقلیت جمعیت آن شیخ‌نشینان را تشکیل می‌دادند، با احساس قدرت و غرور درصدد کسب هویت مجدد، قدرت و اجرای اعمال مذهبی بوده و عدم رضایت خود را نسبت به حکام ارتجاعی بروز دادند. این امر نه تنها در کشورهای حاشیه خلیج فارس بلکه در تمام کشورهای جهان که اقلیتی شیعه در آن وجود داشت، احساس قدرت نمودند. همانند گروه‌های شیعه و سنی از مصر همچون اخوان المسلمین و جهاد اسلامی تا جنبش مسلمانان مجاهد و حزب سلما نه اسلامی در مالزی، الهامات زیادی از انقلاب اسلامی گرفتند. در شکل شماره (۵): مدل شماتیکی از تأثیر انقلاب اسلامی بر امنیت و قدرت‌یابی کشورهای منطقه غرب آسیا و شکل‌گیری تحولات بین‌المللی را بیان می‌نمایم.



شکل شماره (۵): نقش انقلاب اسلامی در قدرت‌یابی و امنیت منطقه (مأخذ: قربانی سپهر، ۱۳۹۸)

نتیجه گیری

جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خود، همواره نقش اساسی در تحولات منطقه‌ای غرب آسیا داشته است. این نقش با پیروزی انقلاب اسلامی تقویت شد. امروزه نه تنها علاقه‌مندان و شیفتگان انقلاب اسلامی، بلکه حتی دشمنان و مخالفان آن‌ها معترف هستند که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نقطه عطفی نه تنها در تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی ایران، بلکه جهان اسلام و حتی جهان بشریت بوده است. البته میزان تأثیر و بازتاب انقلاب اسلامی بر همه جوامع اسلامی یکسان نبوده، به دلیل آنکه انقلاب بر پایه تعالیم دین اسلام و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به پیروزی رسیده، بر شیعیان جهان تأثیر بیشتری داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت که از جمله ویژگی‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی برای غرب و حتی جهان اسلام، احیای افکار و اندیشه‌های اسلامی در سراسر جهان بود. مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی بر احیای ارزش‌ها و آگاهی‌های اسلامی، القای تفکر اسلام سیاسی بود. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که ادیان به ویژه دین اسلام با گذشت زمان و توسعه مدرنیزاسیون نه تنها به پایان راه نرسیده است، بلکه مجدداً به عنوان مهم‌ترین راه نجات بشریت از ظلم و بیدادگری شده و دنیای مادی‌گرای معنویت‌گریز را متوقف ساخته و دریچه‌ای از معنویات و اعتقادات مذهبی را در راستای رستگاری و رهایی بشریت از قید قدرت‌های استعمارگر گشوده است. بر این مبنا جمهوری اسلامی ایران توانست با تقویت روحیه انقلابی و مقاومت در کشورهای منطقه، همگرایی و اتحاد را بین کشورهای منطقه غرب آسیا تا حدودی ایجاد کند و امنیت را به این منطقه هدیه دهد. حضور کشورهای فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده که تأثیر زیادی بر برهم کنش معادلات امنیتی این منطقه دارد، تنها با مقابله ایران روبرو شده است. از این رو می‌توان گفت ایران تنها کشور تأثیرگذار بر امنیت منطقه است و سایر کشورها از جمله عربستان، ترکیه و پاکستان سعی در ناامنی منطقه به نفع خود و در تعارض با انقلاب اسلامی دارند؛ اما همچنان که می‌بینیم روحیه مقاومت، ایثار و فداکاری در سربازان مقاومت جمهوری اسلامی ایران به حدی بالا است که توانسته‌اند

کشورهای سوریه و عراق را پس از چند سال از هرگونه گروهک تروریستی داعش خالی نمایند؛ بنابراین نمی توان نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران را در امنیت منطقه نادیده گرفت و به آن بی توجه بود؛ زیرا که اگر قدرت ایران به عنوان یک بازیگر منطقه ای نبود، شاید تمامی کشورهای غرب آسیا تاکنون تجزیه و فروپاشیده می شدند.

منابع

- ۱- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰). بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشگاه‌های نیروهای مسلح، تهران: قابل دسترسی در <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index-old?tid=۵۰۷۱۱۰۵۶۵۷>
- ۲- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰). بیانات در سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران، تهران: قابل دسترسی در <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۷۵۷۶>
- ۳- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹). بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی، تهران: قابل دسترسی در <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۷۰۶۶>
- ۴- احمدی نوحدانی، سیروس؛ زارعی دارامرودی، هوشمند؛ آرش قربانی سپهر (۱۳۹۸). بررسی جایگاه پیاده‌روی اربعین در افزایش وزن ژئوپلیتیکی شیعیان در مناسبات جهانی، فصلنامه اسلام و ارتباطات میان فرهنگی، سال اول، شماره اول، ۳۸-۱۳.
- ۵- احمدی، سید عباس؛ حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). موانع و شیوه‌های بازدارنده تجدید حیات شیعه در جهان، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی، شماره ۳۰.
- ۶- آراین پور، محمدرضا (۱۳۹۷). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر چهار درخت.
- ۷- اسماعیل‌زاده امامقلی، ی؛ احمدی فشارکی، ح. (۱۳۹۵). داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۵(۱۸) (پیاپی ۴۸)، ۱۴۱-۱۲۳.
- ۸- افشاری راد، مینو؛ آقا بخشی، علی اکبر (۱۳۸۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: انتشارات چاپار.
- ۹- اسپوزیتو، جان ال (۱۳۸۲). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۱۰- اسکاچ پل، تدا (۱۳۷۶). دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، ترجمه سید مجید رویین‌تن، تهران: انتشارات سروش.

- ۱۱- ایزدی، جهانبخش؛ اکبری، حمیدرضا (۱۳۹۵). اسلام سیاسی و نظم امنیتی غرب آسیا. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۹(۳۵)، ۴۵-۶۷.
- ۱۲- ایزدی، حسن؛ دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۱). ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی جوامع شیعی در جهان اسلام با تأکید بر ایران، تهران: مجموعه مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه.
- ۱۳- آدمی، علی (۱۳۹۱). بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبردی، سال بیست و یکم، شماره ۶۲.
- ۱۴- برزگر، کیهان (۱۳۹۵). ایران و «ثبات استراتژیک» در غرب آسیا، تهران: مجموعه مقالات اولین کنفرانس امنیتی تهران.
- ۱۵- بشیریه، حسین (۱۳۸۲). انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۶- بشیریه، حسین (۱۳۸۲). آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- ۱۷- بغدادی، عبدالقاهر (۱۳۸۵). تاریخ مذاهب اسلام یا ترجمه الفرق بین الفرق، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۸- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۹- تلاشان، حسن (۱۳۸۹). دورنمای ژئوپلیتیک شیعه در عراق، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۳۱.
- ۲۰- توال، فرانسوا (۱۳۸۰). ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه سید حسن صدوق، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۱- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۸). انقلاب اسلامی و تأثیرات بین‌المللی آن، فصلنامه پاسدار اسلام، شماره ۲۱۵.

- ۲۲- حافظ نیا، محمدرضا؛ احمدی، سید عباس (۱۳۸۸). تبیین ژئوپلیتیکی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن شیعیان جهان، فصلنامه شیعه شناسی، سال هفتم، شماره ۲۵.
- ۲۳- حافظ نیا، محمدرضا؛ رومینا، ابراهیم (۱۳۹۶). تأثیر علائق ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در ایجاد چالش های منطقه ای در جنوب غرب آسیا. فصل نامه تحقیقات جغرافیایی. ۳۲ (۲): ۹-۲۰.
- ۲۴- حسینیان، روح الله (۱۳۸۰). تاریخ تأسیس تشیع تا تشکیل حوزه علمیه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۵- حشمت زاده، محمداقبر (۱۳۷۸). چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ۲۶- جوفار، م. (۱۴۰۰). تحلیل ابعاد رویکرد ژئوپلیتیک صلح در منطقه جنوب غرب آسیا، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران.
- ۲۷- درخشه، جلال (۱۳۸۴). گفتمان سیاسی شیعه در عصر معاصر، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۸- دهقان، حمید (۱۳۸۴). انقلاب اسلامی نقطه عطفی در تاریخ، تهران: انتشارات شمس.
- ۲۹- رادفر، فیروزه؛ دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال الدین (۱۳۸۹). الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ۳۰- راستی، عمران؛ رحیمی، محمد (۱۳۹۵). امنیت و توسعه در غرب آسیا از منظر مدل محور- پیرامون: مطالعه موردی مناطق مرزی کشورهای ایران، افغانستان و پاکستان، تهران: مجموعه مقالات همایش بین المللی امنیت انسانی در غرب آسیا.
- ۳۱- زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۵). امنیت روانی اجتماعی از منظر مددکاری اجتماعی، مجموعه مقالات همایش بررسی نقش روان شناسی، مشاوره و مددکاری اجتماعی در تأمین و توسعه امنیت روانی - اجتماعی، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران: ۴۹-۸۴.

- ۳۲- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس - با تأکید بر شیعیان، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۳۳- فهیم دانش، شهاب (۱۳۸۴). منافع ملی و سیاست‌های بهره‌برداری از منابع نفت و گاز، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، (پیاپی ۲۱۲)، شماره ۷-۸.
- ۳۴- عمید، حسن (۱۳۷۳). فرهنگ عمید (دوجلدی)، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۳۵- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۱). انقلاب اسلامی ایران، علل، مسائل و نظام سیاسی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- ۳۶- فاضلی نیا، نفیسه (۱۳۸۵). علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی (با تأکید بر عنصر ژئوپلیتیک شیعه)، فصلنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۳۶.
- ۳۷- فاضلی نیا، نفیسه (۱۳۸۶). ژئوپلیتیک شیعه، مسئله امنیت ملی ایران، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال چهارم، شماره ۱۳.
- ۳۸- فوکو، میشل (۱۳۷۹). ایران روح یک جهان بی روح، ترجمه افشین جهان‌دیده و نیکو سرخوش، تهران: نشر نی.
- ۳۹- قریشی، علی اکبر (۱۳۷۲). قاموس قرآن، چاپ ششم، جلد آخر، تهران: انتشارات
- ۴۰- قلی زاده، سید ابراهیم؛ کفاش جمشید، محمدرضا (۱۳۹۲). پیامدهای سیاسی - امنیتی افزایش قدرت منطقه‌ای ترکیه بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره نوزدهم، صص ۱۳۳-۱۰۷.
- ۴۱- کلودزیچ، ادوارد (۱۳۹۰). امنیت و روابط بین‌الملل، ترجمه نادر پورآخوند، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴۲- گلدستون، جک (۱۳۸۵). مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.

- ۴۳- عباس زاده فتح‌آبادی، مهدی؛ سبزی، روح‌الله (۱۳۹۴). الگوی فازی سیستمی هوشمندسازی قدرت و تحقق امنیت پایدار در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه سیاست، دوره ۴۵، شماره ۳.
- ۴۴- گلشنی، علیرضا؛ سهرابی، حمیدرضا (۱۳۹۳). نقش جمهوری اسلامی ایران در قیف ژئوپلیتیک غرب آسیا، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره هجدهم، صص ۸۱-۱۱۷
- ۴۵- متقی زاده، زینب (۱۳۸۴). جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، قم: مؤسسه شیعه شناسی.
- ۴۶- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و اهداف، تهران: نشر دادگستر.
- ۴۷- محمدی، منوچهر (۱۳۸۱). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۴۸- معین، محمد (۱۳۶۵). فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۴۹- نصیری، محمد (۱۳۸۹). تحلیلی از تاریخ تشیع و امامان علیهم‌السلام، قم: دفتر نشر معارف.
- ۵۰- Kurt Nimmo, *ISIS AND THE PLAN TO BALKANIZE THE MIDDLE EAST, JUNE 15, 2014*, available at: <http://www.infowars.com/isis-and-the-plan-to-balkanize-the-middle-east/>.